

انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (ص) الگوی انقلاب اسلامی ایران

احمد شفیعی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

چکیده

دگرگونی جوامع، با مفهوم تغییر اجتماعی که لزوماً یک پدیدهٔ جمعی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تغییر اجتماعی، گاهی در زرفای جامعه و تار و پود آن رخ می‌دهد و موجب تحول و دگرگونی بنیادین در زمینه‌های فکری، روحی، سنن، آداب و عملکردها می‌گردد. حرکت‌های اجتماعی انبیای الهی که با هدف اقامهٔ قسط و عدل در جامعه صورت گرفته، در تأثیرگذاری بر جامعهٔ بشری، فرین توفیق بوده است، گرچه به جهت وجود زورمداران و مستکبران و مقاومت دنیاپرستان، این هدف به گونهٔ همه جانبه جامعه عمل نپوشیده است.

انسانهای اندیشمند و مصلح در طول تاریخ به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برکت هدایت و تعالیم این انسانهای برگزیده حرکت کرده‌اند. در عصر ما، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رض)، یکی از این حرکت‌هاست که از حرکت انبیای الهی به ویژه انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (ص) مایه و الگو گرفته. در این نوشتار کوشش شده الگوپذیری و مشابهت این انقلاب با انقلاب پیامبر اعظم (ص)، در گسترهٔ زمینه‌ها، شرایط، اصول و اهداف، ویژگی‌ها، شیوه مبارزه، عوامل پیروزی و دستاوردهای آن، تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، انقلاب اسلامی، پیامبران، امام خمینی، تحول اجتماعی

حرکتهای بزرگ تاریخی بیش از هر چیز مدیون شخصیت‌های برجسته‌ای است که با نفوذ خود بر اندیشه‌ها و گرایشهای ملت‌ها، تحولات عمیقی را در جامعه بشری ایجاد کرده‌اند. امام خمینی در دوران معاصر یکی از شخصیت‌های برجسته و بی‌بدیل است که انقلاب اسلامی ایران را با رهبری منحصر به فرد خود به پیروزی رسانید و توانست مبدأ تحولات بنیادین در حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ملت ایران و نیز سرآغاز شکل‌گیری بسیاری از جنبش‌ها و حرکتهای تحول‌زا در دنیا شود.

قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با توجه به حاکمیت دو تفکر اومانیسیم و ماتریالیسم در اغلب نقاط جهان، چنان القا می‌شد که نظام‌های حکومتی منحصرأ باید به یکی از دو شیوه لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی باشد و چنانچه انقلابی در جهان رخ دهد، به ناچار باید تحت حمایت یکی از دو بلوک شرق یا غرب قرار گیرد تا بتواند به پیروزی رسیده و ادامه حیات دهد.

انقلاب اسلامی ایران به رغم القائات استکبار جهانی، در پیدایش، کیفیت مبارزه، انگیزه انقلاب و قیام، عوامل پیروزی و سیر حرکت از دیگر انقلاب‌ها جدا بود و در حقیقت تحفه الهی و هدیه غیبی از جانب خداوند بر ملت ایران و نیز چالشی علیه نظام اختاپوسی سرمایه‌داری دنیا از یک طرف و نظام الحادی مارکسیستی از طرف دیگر بود و به دلیل استقلالش با هیچ کدام کنار نیامد؛ چنان‌که معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و خلف صالح وی، مقام معظم رهبری بر این مطلب تصریح دارند.^۱

با توجه به مطلب یاد شده، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که «الگوی انقلاب اسلامی چیست؟» برای پاسخگویی به این سؤال، استناد به تفکرات، اندیشه‌ها، بیانات و سیره عملی رهبران انقلاب اسلامی و نیز تمسک به شباهت‌جویی در گستره زمینه‌ها، شرایط، اصول و اهداف، ویژگی‌ها، شیوه مبارزه، عوامل پیروزی و دستاوردهای انقلاب بسیار راهگشا خواهد بود. آنچه در گفتار حاضر، در صدد تبیینش هستیم، الگوپذیری انقلاب اسلامی ایران از انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (ص) است.

الگوی انقلاب اسلامی

با دقت در بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران، آنان خود به روشنی مدعی و معترف به

الگوپذیری انقلاب اسلامی ایران از انقلاب اسلامی پیامبر اعظم هستند؛ بلکه آن را جلوه‌ای از انقلاب سراسر نور و هدایت آن حضرت می‌دانند.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، آرمان انقلاب را، تجلی حکومت دینی و جمهوری اسلامی می‌داند و به دنبال سامان‌دهی حکومتی نظیر حکومت نبوی و علوی است: ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می‌کنیم، جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم، مثل امیرالمؤمنین - سلام الله علیهما - بر آن حکومت کرده‌اند. می‌خواهیم یک همچو حکومتی باشد.^۲

ایشان بر این مطلب پای فشرده و اصرار دارند که مسلمانان باید به پیامبر خدا تاسی کنند و همانگونه که آن حضرت حکومت تشکیل داد و جنگ و دفاع داشت، اینان نیز باید چنین کنند.^۳ به همین جهت معتقد است: «انقلاب اصیل و عظیم الهی و اسلامی و ایرانی ملت ایران جلوه‌ای از نهضت پر عظمت حضرت محمد رسول الله (ص) است.»^۴

مقام معظم رهبری نیز ضمن برشمردن رسالت پیامبران الهی، معتقد است، انقلاب اسلامی ایران، الگوی حکومتی پیامبران را پیش روی خود دارد:

این سه تا کار به عهده پیامبران است؛ تعلیم معارف الهی، تعلیم جهان‌بینی الهی و تعلیم مقررات و احکام الهی و بعد تربیت مردم و رشد دادن مردم و تزکیه مردم و شکوفا کردن استعداد های مردم، برای اینکه مردم توانا بشوند خودشان را اداره کنند و آنگاه مدیریت جامعه، بالفعل که به عهده پیامبران است. آن وقتی که پیغمبری در جامعه هست، اداره جامعه به عهده اوست. بر طبق حکم الهی ما یک چنین الگویی را امروز در اینجا داریم. البته همان طور که گفتم این الگو با آنچه که می‌تواند ایده‌آل باشد، فاصله دارد، اما این فاصله باید روز به روز کمتر بشود و در نهایت این فاصله پر بشود.^۵

ایشان در مقایسه حرکت‌های مصلحان مسلمان دوران معاصر با حرکت امام خمینی (ره)، بر این باور است که تلاش بی‌حد و حصر مصلحان مسلمان و مخلص هرگز نتوانسته است حرکت معکوس و رو به انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند یا عزت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده، نیروی آنان را در خدمت آن به کار گیرد و یا دامنه جغرافیایی اسلام را گسترش دهد، ولی امام خمینی برای حیات دوباره اسلام، درست همان راهی را پیموده که رسول معظم (ص) پیموده بود.^۶

با توجه به بیانات یاد شده اینک به موارد شباهت و الگوپذیری انقلاب اسلامی ایران از انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (ص) می‌پردازیم.

۱. زمینه‌های انقلاب

با مقایسه دوران حیات پیامبر خدا (ص) قبل از بعثت و دوران زندگی امام خمینی (رض) قبل از قیام، مشترکات فراوانی را درمی‌یابیم که بستر شکل‌گیری قیام و انقلاب به شمار می‌روند. عمده‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب در این دو زمان عبارتند از:

۱- عدم حاکمیت دین حق

۲- عدم اجرای قوانین احکام الهی

۳- حاکمیت طاغوت و گسترش ظلم و طغیان و اختناق

۴- شیوع فقر، فساد، فحشا، تبعیض و بی‌عدالتی

۵- نفی آزادی انسان و به اسارت و بردگی کشاندن او

۶- غروب معنویت و ترویج دنیاگرایی و تجمل‌طلبی

۷- رواج فرهنگ نژادی و قومی - قبیله‌گرایی

۸- تحمیق و تخریب توده‌ها و به استثمار کشاندن آنان

۹- ترویج اختلاف و تفرقه و بروز نزاع‌ها و درگیری‌ها

۱۰- به ستوه آمدن محرومین و مستضعفین و انتظار کشیدن برای مصلح و منجی.^۷

در وضعیتی که جاهلیت بر تار و پود جوامع تنیده بود و تا اعماق آن نفوذ کرده بود، بعثت پیامبر خدا رخ داد و حقیقتی نورانی در قلب مبارک پیامبر خدا که انسانی ممتاز و برجسته و استثنایی بود، درخشیدن گرفت. با باز شدن حقایق غیبی بر روی این انسان ملکوتی، اتصال دنیای مادی و عالم وجود انسان با معدن غیب برقرار شد و او که برای امتحان دادن و به دوش کشیدن بار امانت و تحمل مشقت‌ها و مصائب آماده شده بود، به دستور خداوند حرکت بزرگ خود را آغاز کرد تا بشریت را از ظلمت جهالت خارج ساخته به نور هدایت منور گرداند^۸ و او را به سر منزل مقصود رهنمون شود.

در عصر ما نیز امام خمینی از نوادری بود که به مکتب انبیاء به ویژه اسلام ناب و قوف کامل داشت و بهینه و وسیع معرفت نظری و مهارت عملی وی از اوج عرفان و ژرفای شهود و

معرفت الهی تا برهانی‌ترین استدلال‌ها و براهین فلسفی و از عمق فقه و اصول و ریزترین احکام و مبانی شرعی و تکالیف و وظایف عبادی و حقوقی و فردی و جمعی تا انواع سیاست‌های کشورداری و شیوه‌های مدیریت و اداره حکومت و عرصه پیچیده مناسبات بین‌المللی و ترفندهای استکباری و استعماری را شامل می‌شد.

او با این جامعیت، در عصر غربت و مظلومیت دین که تقریباً همه قدرتهای مادی دنیا، روزگار دین را پایان یافته تلقی می‌کردند و حتی آن را مخدّر جامعه می‌دانستند، اقدام به بیدارگری ملت ایران و بلکه جهان نمود و با بنیان‌گذاری حکومت دینی در ایران، علی‌رغم همدلی و هماهنگی استکبار جهانی و لشکرکشی آنان در برابر این نهضت، سرافراز و پیروز از میدان بیرون آمد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

عین همین بعثت با یک تفاوت در جامعه ما و در زمان ما به وجود آمده است. آن تفاوت این است که بعثت آن روز به معنای بیدار شدن یک انسان و پیغمبر شدن او بود و در بعثت امروز دیگر «رسالت» در آن نیست، بلکه بعثتی در راستای بعثت پیغمبر است؛ یعنی همینطور که پیغمبر اسلام وقتی مبعوث شد، جامعه زمان خودش را بیدار کرد. ما امروز یک بار دیگر با ندای پیامبر، با فریاد بعثت رسول‌گرامی بیدار شدیم.^۹

بنابراین انقلاب اسلامی مردم ایران، گشودن جبهه تازه‌ای فراروی همه انسان‌هایی است که از نارسایی و نابسامانی تمدن تحمیلی استعماری کنونی - نظیر حاکمیت فرهنگ جاهلیت قبل از بعثت پیغمبر اسلام - رنج می‌برند. این جبهه با ستم به هر شکلش و با هر تعبیر و بیان مخالف است. نه حاضر است با نظام‌های استثماری و استعماری غربی بسازد و نه حاضر است با نظام‌های ظالمانه دولتی شرقی بسازد؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام نه با قیصر روم کنار آمد و نه با کسرای ایران سرسازش داشت.^{۱۰}

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

برای اینکه وعده خدا - یعنی پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد، پیروزی ارزشهای الهی بر همه مادی‌گری‌های کوتاه‌نظرانه به تحقق بیبوند، باید اسلام در عرصه زندگی خودش را مطرح می‌کرد. خدای متعال چنین مقرر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود و شد. آن عبد صالح، آن جانشین به حق پیامبران و اولیای الهی

دین، آن انسان وارسته از مادیات در وجود و در زندگی و در اندیشه خود، آن هضم شده در اسلام و فانی در الله، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیشقراول و مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد.^{۱۱}

۲. شرایط لازم برای انقلاب

هر انقلابی نوعی تحول و تغییر اجتماعی و حرکتی هدفدار، سنجدیده، پیوسته و خستگی ناپذیر است. بدین جهت برای تحقق و رسیدن به اهداف خود، نیازمند شرایط و بستری خاصی است. بنابراین رهبران و معماران انقلاب، بخش عمده‌ای از هم و غم خویش را به ایجاد آن شرایط معطوف می‌دارند.

پیامبر عظیم الشان اسلام دوران سیزده ساله اول بعثت در مکه را به ایجاد شرایط مشغول بودند تا بتوانند مفاد آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله»^{۱۲} را عینیت بخشند.

امام خمینی (رض) نیز مشقت‌های پانزده سال پر رنج را تحمل نمود تا اقیانوس عظیم ملت ایرانی تموج پیدا کرد و به خروش افتاد. به تعبیر مقام معظم رهبری؛ «این پانزده سال لیلۃ القدر انقلاب ما بود»^{۱۳} بعضی از شرایط مورد نیاز که امام خمینی به تأسی از پیامبر خدا ایجاد کردند، از این قرارند:

- ۱- آگاهی بخشی به جامعه و بیدارسازی آنان
- ۲- تلاش در جهت تقویت ایمان و باور جامعه و افزایش قدرت معنوی
- ۳- ایجاد زمینه گرایش به خیر و گریز از شر در مردم
- ۴- تحقق بخشیدن تحول روحی و فکری در جامعه
- ۵- دمیدن روحیه شجاعت و اعتماد به نفس به ملت
- ۶- توصیه به مبارزان برای تحمل سختی‌ها، حبس‌ها و شکنجه‌ها
- ۷- امیدوار ساختن مردم به ویژه انقلابیون به پیروزی
- ۸- ایجاد حس تعاون و همیاری بین مردم
- ۹- دعوت به وحدت و اتحاد فراگیر
- ۱۰- تبیین الگوی حکومتی اسلام در قالب نظریه ولایت

۱۱- ترویج فرهنگ و انگیزه‌گرایی به تهذیب نفس

۱۲- فراخوان مردم به تلاش و کوشش برای جلب خشنودی خداوند.

با توجه به موارد یاد شده می‌توان ادعا کرد که در اندیشه امام خمینی (رض)، ریشه کن نمودن معیارهای غیر الهی و ایجاد تحولی بنیادین در راستای حاکمیت ارزشهای الهی فقط با یک حرکت فرهنگی اصیل و فراگیر مبتنی بر اعتقادات و باورهای دینی امکان‌پذیر است. به همین جهت یکی از شاخص‌های شناخت نهضت اسلامی او، حرکت معنوی جامعه به سوی آرمان‌های متعالی اسلام است که خود بیانگر الگوپذیری بی‌قید و شرط او از سیره و عملکرد پیامبر خداست.

۳. اصول و اهداف انقلاب

یکی از راه‌های کشف و اثبات الگوپذیری یک حرکت اجتماعی و انقلابی از انقلاب دیگر، رهیافت مشابهت‌جویی در اصول و اهداف است. چنانچه رهبر یک انقلاب همه اصول و اهداف و آرمانهای حرکت اجتماعی‌اش را مطابق انقلابی دیگر قرار دهد یا از آن مایه بگیرد، بیانگر الگوپذیری از آن انقلاب است. از اینجاست که امام خمینی (رض) انقلاب ملت رشید ایران را مقید به اسلام نموده و اهداف آن را همان اهداف انبیاء قلمداد می‌کند. برخی از اهدافی که انبیای الهی به ویژه خاتم المرسلین در حرکت خویش تعقیب می‌کردند و امام خمینی هم آنها را برای انقلاب اسلامی ملت ایران تعقیب نمود عبارتند از:

۱- عدالت خواهی؛^{۱۴}

۲- حاکمیت اسلام و قرآن در زندگی بشر؛^{۱۵}

۳- تربیت و تزکیه انسان و جامعه‌سازی بر مبنای آن؛^{۱۶}

۴- فراهم سازی راه کمال جویی و تقرب انسان به خدا و جلوگیری از منحصر و محدود سازی او در خواهشهای جسمی و جنسی و در نهایت دستیابی به حیات طیبه؛^{۱۷}

۵- تکریم انسان به معنی واگذاری حقیقی حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت و در

نتیجه تلاش برای تأمین خوشبختی و سعادت او؛^{۱۸}

۶- استقلال و آزادی انسان و نفی بندگی و بردگی او از غیر خدا؛^{۱۹}

۷- تشکیل نظام توحیدی و عدالت‌گستر در قالب جمهوری اسلامی برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی؛^{۲۰}

۸- احیا و حاکمیت فضیلت‌ها و ارزشهای دینی و معنوی در زندگی بشر؛^{۲۱}

۹- برخورداری بشر از رفاه، امنیت و عزت سیاسی؛^{۲۲}

۱۰- تعلیم بشر و گسترش دانش و ارتقای علمی جامعه؛^{۲۳}

۱۱- دفاع از محرومان و مستضعفان؛^{۲۴}

۱۲- نفی سلطه و حاکمیت ظالمانه طاغوت‌ها و قدرت‌های زورگو.^{۲۵}

مقام معظم رهبری در برابر جهانیان، اهداف انقلاب اسلامی را که متکی بر مبانی اسلام است، اینگونه معرفی کرد:

دین یک نظام اجتماعی به بشر ارائه می‌کند و نه فقط یک سلسله عبادات و عادات. هر چند که عبادات و عادات نیز انباشته از روح زندگی و در جهت همان نظام است. و این نظام اجتماعی مبتنی بر همان جهان‌بینی است و ساخته به شکل آن است. آزادی و برابری انسان‌ها، عدل اجتماعی، خودآگاهی افراد جامعه، مبارزه با کژی و زشتی، ترجیح آرمان‌های انسانی بر آرزوهای شخصی، توجه و یاد الهی، نفی سلطه شیطانی و دیگر اصول اجتماعی نظام اسلامی و نیز اخلاق و رفتار شخصی و تقوای سیاسی و شغلی، همه و همه ملهم و زاییده آن جهان‌بینی و برداشت کلی از جهان و انسان است.

اسلام، نظام‌های مبتنی بر زور و قلدری و زاییده ظلم، جهل، اختناق، استبداد، تحقیر انسان و تبعیض نژادها، ملت‌ها، خون‌ها و زبان‌ها را رد می‌کند و غلط می‌شمرد و با هر آن نظام و کس که به ستیزه نظام اسلامی کمر بندد، با شدت و مقاومت می‌ستیزد و به جز آنان، با همه انسان‌ها، چه هم‌کیش و چه نا هم‌کیش به محبت و مساعدت امر می‌کند. بر چنین پایه‌ها و با چنان هدف‌هایی انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد و نظام جمهوری اسلامی را بنا نهاد.^{۲۶}

۴. ویژگی‌های انقلاب

انقلاب اسلامی ایران نه تنها در اصول و اهداف با انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (ص) هم‌سو و هم‌جهت بود بلکه با کالبدشکافی و تدبر در ویژگی‌ها و ماهیت این دو انقلاب، به مطابقت و یگانگی آنها نیز پی می‌بریم. رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

این ملت قیامش نظیر قیام انبیاء و قیام ائمه هدی است، نظیر قیام حضرت ابی عبدالله، سیدالشهدا است. ملتی که انگیزه قیامش اسلام و ایمان است به این طور امور سرد و سست نمی شود. همه قدرتهای عالم هم که بر ضدش قیام بکنند و قیام کرده اند، اینها را از مقصد خودشان و انگیزه خودشان نخواهند برگرداند.^{۲۷}

برخی از ویژگیهای مشترک این دو انقلاب که نشان دهنده هم سویی آنها و الگوپذیری انقلاب ملت ایران از دوران پیامبر اسلام است، عبارتند از:

- ۱- مبتنی و متکی بودن بر جهان بینی اسلامی و توحیدی
- ۲- مطابقت داشتن با فطرت انسانی و هماهنگی با سنت های الهی
- ۳- الهی بودن قیام و نهضت و پایه قرار گرفتن ایمان به خدا در آنها
- ۴- مردمی بودن حرکت انقلاب
- ۵- فراگیر بودن نهضت و عدم اختصاص آن به دسته و گروه و حزب خاص
- ۶- خودجوش و درونی بودن انقلاب
- ۷- حاکمیت اصل عمل به تکلیف و وظیفه در حرکت انقلاب
- ۸- تدریجی بودن دعوت از سوی رهبران انقلاب
- ۹- مخالفت شدید و بی وقفه کفر و نفاق با اساس و بنیان انقلاب
- ۱۰- استمرار و مداومت در حرکت انقلاب و نیز پویایی آن
- ۱۱- وجود ریزش ها و رویش های اعجاب برانگیز در انقلاب
- ۱۲- تحقق پیروزی های پی در پی همراه با نصرت و امداد الهی.^{۲۸}

۵. شیوه های مبارزه

انقلاب اسلامی ایران در شیوه های مبارزه با طاغوت و استکبار، از حرکت انقلاب پیامبر خدا نیز سرمشق گرفته است. اساس مبارزه در این دو انقلاب بر حرکت تبلیغی و فرهنگی است، ولی چنانچه کسانی با توسل به زور و قوه قهریه در برابر حرکت پویا و توفنده انقلاب ایستادگی کنند، به ناچار مبارزه مسلحانه در دستور کار قرار می گیرد.^{۲۹}

پیامبر رحمت(ص) در ۱۳ سال دوران مکه به تبلیغ دین مبین اسلام و تعالیم الهی پرداخت.

او در این دوران به دستور الهی مأمور به صبر و استقامت بود.^{۳۰} به همین جهت رنج‌ها و مصائب بی‌شماری را تحمل نمود ولی هرگز از یادگیری و کادرسازی غافل نشد. امام خمینی (رض)، نیز در دوران ۱۵ ساله قبل از پیروزی انقلاب با تأسی به پیامبر خدا، در جهت تبیین و معرفی اسلام ناب به ویژه در حوزه سیاست و کشورداری و نیز کادرسازی تلاش بی‌وقفه‌ای کرد و در نتیجه شبکه وسیع و زنجیره‌ای روحانیت - مردم را سامان داد و در دو سال منتهی به پیروزی از آن بهره‌برداری صحیح نمود؛ چنانکه در استمرار حرکت انقلاب نیز آن را تقویت کرد.

شیوه‌های حرکت و مبارزه امام خمینی (رض) را که الگو گرفته از شیوه‌های پیامبر است، می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- ۱- افشاگری نسبت به طاغوت و حاکمان ستمگر
- ۲- بیدارسازی و تنویر افکار عمومی
- ۳- معرفی و تبلیغ اسلام ناب از طریق تدریس خطابه، پیام و مصاحبه
- ۴- بهره‌گیری صحیح و اصولی از اصل امر به معروف و نهی از منکر
- ۵- فراخوان عمومی و بسیج توده‌های میلیونی مردم
- ۶- اعلان برائت از طاغوت و استکبار و کفر و نفاق
- ۷- مبارزه مسلحانه در برابر دشمن متجاوز
- ۸- دعوت مردم به صبر و استقامت و تحمل رنج‌ها برای خدا
- ۹- ترویج فرهنگ جهاد و دفاع و تبیین اصل پیروزی خون بر شمشیر
- ۱۰- دمیدن روح امید و نشاط به کالبد جامعه
- ۱۱- به صحنه کشاندن زنان به عنوان نیمی از پیکر اجتماع
- ۱۲- بهره‌گیری صحیح از مساجد به عنوان پایگاه‌های انقلاب^{۳۱}

۶. عوامل پیروزی

شکل‌گیری و پیروزی هر انقلابی به مؤلفه‌ها و عوامل گوناگونی وابسته است. بدیهی است برخی عوامل وجه غالب را به خود اختصاص داده و تأثیر مضاعفی را در پیروزی انقلاب به جای می‌گذارند. نظر به اینکه انقلاب اسلامی ایران در اصول، اهداف، ویژگیها و شیوه‌های

مبارزه از انقلاب پیامبر اعظم (ص) الگو گرفته است به طور طبیعی عوامل مؤثر بر پیروزی این دو نیز می‌تواند یکسان باشد.

برخی عوامل مشترک و تأثیرگذار در پیروزی این دو انقلاب از این قرارند:

- ۱- ایمان عمیق، آگاهانه و راسخ مردم به اسلام و اتکای به خداوند^{۳۲}
- ۲- ولایت محوری^{۳۳}
- ۳- مطابقت با سنتهای الهی^{۳۴}
- ۴- وحدت و اتحاد و همدلی مردم^{۳۵}
- ۵- حفظ نظم و انسجام ملی^{۳۶}
- ۶- تکیه بر مفهوم واقعی شعار الله اکبر^{۳۷}
- ۷- تعظیم شعائر الهی و اسلامی به ویژه عزاداری‌ها و اسلامی بودن انگیزه انقلاب^{۳۸}
- ۸- ایثار و شهادت طلبی^{۳۹}
- ۹- مقاومت و استقامت^{۴۰}
- ۱۰- امدادهای غیبی و نصرت الهی^{۴۱}

۷. دستاوردهای انقلاب

هر پدیده اجتماعی پس از به ثمر رسیدن، دستاوردهایی را برای جامعه و حتی گاهی برای بشریت به ارمغان می‌آورد. بدیهی است میزان و سطح دستاوردهای هر پدیده به بزرگی اهداف و آرمان‌های آن و نیز میزان تحقق آنها در جامعه، بستگی دارد. انقلاب اسلامی ایران به پیروی از انقلاب پیامبر اعظم که مصداق آیه شریفه «الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء توتی اكلها كل حين باذن ربها»^{۴۲} و مبتنی بر توحید و تکریم انسان و عدالت اجتماعی بود، دستاوردهای فراوانی نظیر دستاوردهای انقلاب عظیم پیامبر اسلام داشت.

بدیهی است وحدت در مسائل و موارد پیش گفته که جنبه الگویی برای انقلاب اسلامی ایران را اثبات می‌کند، منجر به وحدت و مشابهت در دستاوردها نیز می‌گردد. برخی از دستاوردهای انقلاب اسلامی که با دستاوردهای انقلاب پیامبر خدا مطابقت دارند عبارتند از:

- ۱- تبدیل رهبری دنیایی و مادی به رهبری الهی و دینی
- ۲- تحقق انقلاب انسانی و تحول فردی و اجتماعی
- ۳- ارائه و شکل‌گیری الگوی مردم‌سالاری دینی و جامعه مدنی اسلامی و تشکیل حکومت متکی بر خواست مردم و مبتنی بر تعالیم الهی
- ۴- حاکمیت ارزشهای دینی و معنوی در نظام حکومتی در عصر غلبه زر و زور و تزویر
- ۵- نفی سلطه طاغوت و واگذاری حق تعیین سرنوشت به مردم و استقرار حکومت دینی
- ۶- پرورش و شکوفایی استعدادها و ترویج روحیه خودآگاهی و خودباوری و اعتماد به نفس

- ۷- تربیت انسان‌های صالح به عنوان فتح الفتوح انقلاب
- ۸- اثبات امکان‌پذیر بودن تشکیل جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت
- ۹- هویت‌بخشی به زنان و احیای منزلت و شأن آنان
- ۱۰- بیداری ملت‌ها و پویایی آنان و در نتیجه مشکل‌آفرینی برای طواغیت و مستکبران
- ۱۱- پیروزی جبهه حق بر گروه باطل
- ۱۲- ظهور و گسترش معنویت‌گرایی در بشر^{۴۳}

نتیجه

سنت الهی این است که زندگی انسان و حیات همه جهان و امور عالم با تدبیر الهی و متکی بر معرفت صحیح اداره شود. از این رو وقتی بشریت از مسیر و صراط مستقیم به دور افتاد و در بیراهه انحراف قرار گرفت، خداوند سنت خود را آشکار می‌سازد. یکی از مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز بشریت که ظرف ظهور این سنت الهی بود، بعثت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام است و مقطع دیگر نیز انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر است که با الگوپذیری از بعثت و انقلاب پیامبر (ص) شکل گرفت و به پیروزی رسید و دستاوردهای فراوانی را به دنبال داشت. به همین جهت است که «انقلاب اسلامی ایران فجر جدیدی در تاریخ بشریت»^{۴۴} به شمار می‌رود.

پی نوشتها:

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۵؛ بیانات مقام معظم رهبری ۱۸/۳/۱۳۸۲.
۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۲.
۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۸-۱۵۹.
۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۸.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی پیرامون حکومت اسلامی، ۱۰/۱۱/۱۳۶۴.
۶. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰/۳/۱۳۶۹.
۷. جهت آشنایی با دیدگاه‌های امام خمینی در باره این موارد رجوع کنید به: سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - (تبیان ۱۲)، ۸۳-۸۸ و تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (تبیان ۳۶) ص ۳-۳۰.
۸. سوره ابراهیم، آیه ۱.
۹. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/۱/۱۳۶۵.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه ۵/۱۱/۱۳۵۸.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۴/۷/۱۳۷۰.
۱۲. سوره، توبه آیه ۲۳ و فتح، آیه ۲۸ و صف، آیه ۹.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری ۱۸/۱۲/۱۳۶۲.
۱۴. سوره‌های حدید، آیه ۲۵ و شوری، آیه ۱۵ و مانده، آیه ۸ و نساء، آیه ۵۸؛ و نیز صحیفه نور، ج ۲، ص ۶۲ و ج ۳، ص ۲۵۶؛ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷/۱۰/۷۱ و ۱۴/۸/۸۰ و ۱۷/۵/۸۱.
۱۵. سوره مانده، آیات ۴۴ و ۴۵ و ۴۷؛ نساء، آیه ۱۰۵؛ صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۱۶ و ج ۷، ص ۴۷ و ۷۹ و ج ۱۶، ص ۶؛ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲/۱۱/۶۴ و ۲۳/۱۱/۶۷ و ۱۲/۸/۸۰.
۱۶. سوره بقره ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲ و صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۰ و سید علی خامنه‌ای، درس‌هایی از نهج البلاغه، ص ۱۰۴-۱۰۳، انتشارات سید جمال و بیانات مقام معظم رهبری، ۱۰/۱۰/۶۹ و ۱/۸/۷۰.
۱۷. قرآن کریم، ابراهیم، ۲۴، نحل ۹۷ و صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۳۳ و بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/۳/۸۲ و ۱۲/۶۸/۱۱.
۱۸. قرآن کریم، اسراء، ۷۰؛ رعد، ۱۱ و صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۴۸ و بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/۳/۸۲؛ ۲۳/۱۱/۶۷؛ ۶۷/۱۲/۸۰؛ ۱۲/۱۱/۶۷.
۱۹. قرآن کریم، آل عمران، ۶۴؛ نحل ۳۶، اعراف، ۱۵۷؛ رعد، ۱۱ و صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۲۰۷ و ۲۴۲ و ۲۷۷، ج ۴، ص ۳۰ و بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/۷/۷۴؛ ۱۷/۵/۸۱؛ ۵/۷/۷۰ و سید علی خامنه‌ای، حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۲-۱۱.
۲۰. قرآن کریم، یوسف، ۴۰ و ۶۷؛ انعام، ۵۷، نساء، ۵۹ و صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۶۴، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۲۶۵، ج ۲۰، ص ۲۳۶ و بیانات مقام معظم رهبری، ۱/۸/۷۰ و اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.
۲۱. قرآن کریم، بقره، ۲۲۹؛ نساء، ۱۳، مجادله، ۴ و صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۶ و بیانات مقام معظم رهبری، ۵/۷/۶۳؛ ۲۲/۴/۷۱؛ ۵/۸/۷۲؛ حکم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۱/۵/۸۰.
۲۲. قرآن کریم، نساء، ۱۴۱؛ انفال، ۶۰، نهج الفصاحه، ص ۵۵ و بیانات مقام معظم رهبری، ۲۳/۱۱/۶۷؛ ۲۲/۷/۷۴.

۲۳. قرآن کریم، آل عمران، ۱۴۱؛ جمعه، ۲ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۲/۲/۱۸؛ ۶۹/۳/۱۰.
۲۴. قرآن کریم، قصص، ۵؛ نساء، ۷۵ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۲/۲/۱۸.
۲۵. قرآن کریم، نساء، ۱۴۱؛ یونس، ۷۵؛ فرقان، ۲۱؛ اعراف، ۴۸؛ قصص، ۴؛ صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۳؛ ج ۵، ص ۵۸؛ ج ۹، ص ۱۱۰، ج ۱۳، ص ۱۳۴ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۲/۲/۱۸.
۲۶. سخنرانی مقام معظم رهبری در سازمان ملل که در آن زمان رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران بودند ۱۳۶۶/۶/۳۱.
۲۷. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۹۵.
۲۸. جهت آشنایی تفصیلی ر.ک: تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (تبیان ۳۶) ص ۲۸۸-۲۵۱ و نیز بیانات مقام معظم رهبری ۶۳/۴/۶؛ ۶۳/۱۲/۲۴؛ ۶۳/۲۱/۶۴؛ ۶۴/۱۱/۱۲؛ ۶۴/۲۹/۴؛ ۶۵/۳۱/۶۶؛ ۶۷/۱۱/۱۲؛ ۶۸/۱۱/۲۰؛ ۶۹/۹/۵؛ ۷۲/۱۰/۶؛ ۷۲/۱۰/۱۹؛ ۷۵/۱۰/۷۵؛ ۷۶/۱۱/۳۰.
۲۹. قرآن کریم، حج، ۳۹.
۳۰. همان، هود، ۱۱۲؛ شوری، ۱۵.
۳۱. ر.ک. تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (تبیان ۳۶)، ص ۱۰۱-۵۷.
۳۲. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۸۴ و ج ۷، ص ۱۱۷؛ ج ۱۱، ص ۷۳ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۱/۹/۲۰؛ ۶۱/۳/۸۱؛ ۶۲/۱/۸۱.
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۵۹/۳/۹.
۳۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۶۳/۱۱/۲۰.
۳۵. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵۸، ج ۵، ص ۱۰۰ و ۱۷۳؛ ج ۸، ص ۲۳۵؛ ج ۱۵، ص ۲۷۱.
۳۶. همان، ج ۵، ص ۸۱؛ ج ۱۱، ص ۷۲.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه، ۵۹/۶/۷؛ صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۰.
۳۸. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۵۵؛ بیانات مقام معظم رهبری، ۶۴/۱۱/۱۱؛ ۶۴/۲۳/۴؛ ۶۸/۴/۶۸.
۳۹. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۴۴؛ ج ۸، ص ۱۲۶ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۵/۴/۲۹.
۴۰. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۹؛ ج ۲۲، ص ۱۶۸ و بیانات مقام معظم رهبری، ۶۰/۱۱/۲۰.
۴۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۹۳.
۴۲. قرآن کریم، ابراهیم، ۲۴.
۴۳. جهت آشنایی بیشتر ر.ک: تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (تبیان ۳۶)، ص ۳۳۷-۳۰۷ و فصلنامه حصون، بهار ۸۵، شماره ۷، مقاله «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی» از همین مؤلف، ص ۲۲-۲۴.
۴۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۶۶/۲/۳۰.